

نوع مقاله: ترویجی

بررسی تطبیقی آیه تطهیر در گفتمان کلامی امامیه و اشاعره

mohagegkaraki@yahoo.com

l.abd51@yahoo.com

محمد معینی‌فر / استادیار گروه مذاهب کلامی دانشگاه ادیان و مذاهب

لیلا عبدالهی خوراسگانی / طلبه سطح ۴ مؤسسه آموزش عالی فاطمه‌الزهراء اصفهان

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۷

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

چکیده

قسمت دوم آیه ۳۳ سوره «احزاب» معروف به «آیه تطهیر» از جمله آیاتی است که مجادله‌های کلامی زیادی را به همراه داشته است. روایات زیادی در فریقین گویای رابطه حدیث کساء با آیه تطهیر است و اختصاص اهل بیت در آیه تطهیر را به خمسه طیبه می‌داند. امامیه برخلاف اشاعره آیه تطهیر را برهان روشن عصمت امام می‌داند؛ زیرا امام و خلیفه پیامبر، نزد اشاعره در حکم یک زامدار است. اکثر اشاعره، در آیه تطهیر، اهل بیت را اعم از اصحاب کساء و همسران پیامبر می‌دانند. دستاورد این نوشتار از طریق بررسی آثار مفسران فریقین به روش توصیفی - تحلیلی، نا یکسان بودن دیدگاه کلامی مفسران اشعری با مفسران امامیه، ادله ناکافی، نادیده گرفتن روایات معتبر در شأن نزول آیه و تفاوت برداشت مفردات آیه تطهیر است که بیانگر تلاش این مفسران در جهت اثبات مبانی اعتقادی شان و امامت خلفای سه‌گانه با استفاده از آیه تطهیر است. نقدها و ردیه‌های عالمانه امامیه بر اشاعره در کنار بیان وجوه اشتراک، با نگاه تطبیقی می‌تواند گامی در تقریب مذاهب اسلامی باشد.

کلیدواژه‌ها: بررسی تطبیقی، آیه تطهیر، امامیه، اشاعره، عصمت.

مقدمه

می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند) است. این آیه از جمله آیاتی است که مجادله‌های کلامی فراوانی را به همراه داشته است. هرچند که کتاب‌ها و تحقیق‌های وسیعی در محورهای مختلف ذیل آیه تطهیر تاکنون صورت گرفته است. کتاب *امامت پژوهی (بررسی دیدگاه‌های امامیه، معتزله و اشاعره)* (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱)؛ مقاله‌های «امامت از دیدگاه اشاعره» (ملک‌مکان، ۱۳۸۵)؛ «تفاوت‌های بنیادی عقاید امامیه با مکتب‌های معتزله و اشاعره» (سبحانی، ۱۳۹۰)، به طور غیرمقایسه‌ای به موضوع عصمت اشاره کرده‌اند؛ ولی این نوشتار به طور مستقل به بررسی تطبیقی گفتمان کلامی دیدگاه مفسران شیعه و اشاعره درباره عصمت اهل بیت علیهم‌السلام ذیل این آیه از طریق مورد نزول آیه و شناسایی مفردات و مدالیل آن می‌پردازد. در این پژوهش تطبیقی با بیان وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه‌های کلامی مفسران فریقین درباره عصمت اهل بیت علیهم‌السلام و ارزیابی نهایی این وجوه می‌توان هم‌راستایی گفتمان کلامی مفسران امامیه با قرآن در دفاع از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را ثابت کرد و بیان وجوه اشتراک این گفتمان کلامی در تقرب مذاهب اسلامی تأثیر دارد.

۱. آیه تطهیر و شأن نزول آن

آیه ۳۳ سوره «احزاب»: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار نکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید؛ خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند)، در بین آیاتی از سوره «احزاب» قرار گرفته که مربوط به همسران رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. خداوند در آیات ۲۸-۳۴ این سوره همسران پیامبر را مورد خطاب قرار داده و دستورهای مهمی برای ایشان صادر کرده است. آیه تطهیر از آیات محکم الهی است که علاوه بر روایات فراوان شیعه، به گواهی احادیث بی‌شمار که از طریق اهل سنت نقل شده است در شأن اصحاب کساء (علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام) نازل شده است؛ ولی برخی از فرقه‌ها و مذاهب مثل اشاعره آن را حمل بر همسران

حرکت هزار ساله جریان کلامی تفسیری اشعری با تطورات گسترده در روش فکری و دیدگاه‌های اشاعره و اصرار داشتن مفسران اشعری بر استفاده از عنوان‌های «پیرو سلف» و «اهل سنت» برای خود، همراه با وسعت و فراگیری جریان کلامی اشاعره، سبب دشواری تشخیص آنان از مفسران جریان سلفی است.

اشاعره بخصوص با توجه به شعار بازگشت به سنت سلف و اسلام اصیلی که سر می‌دادند، گریزی از مستند کردن دیدگاه‌های خود با قرآن و تلاش برای اثبات دیدگاه‌های کلامی خود به وسیله آیات قرآن نداشتند؛ به طوری که تفکیک حوزه متکلمان اشعری از مفسران آن، کار دشواری است. تداخل میان عقل و نقل در موارد بسیاری در شیوه بحث مفسران اشعری، به وضوح قابل مشاهده است.

پیروان مذاهب اسلامی گرچه در تفسیر قرآن به دنبال فهم مراد خدا بوده‌اند؛ اما به سبب اختلاف در مبانی، گاهی به نتایج بسیار متفاوت می‌رسند و یکدیگر را تخطئه می‌کنند. این بدان سبب است که هریک با پیش‌فرض‌های خود، قرآن را تفسیر می‌کنند. نخستین برخوردهای نظری امامیه با کلام اشعری در مناظرات شیخ مفید در کتاب *الجمال* ایشان جلوه می‌کند، اما در سده‌های بعد این رویه‌ها در متون کلامی امامی کمتر دیده می‌شود.

از جمله مباحث مورد اختلاف شیعه با اشاعره مسئله امامت است. اشاعره در اغلب کتاب‌های خود، بانی را با نام «امامت» گشوده‌اند؛ ولی در بحث شرایط امام و بخصوص عدالت امام، با شیعه مخالف هستند. متکلمان اشعری ذیل آیات مربوط به منصوص بودن جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سعی زیادی می‌کنند دیدگاه شیعیانی که امامت را جزو اصول دین می‌دانند، نادیده بگیرند (قدردان قراملکی، ۱۳۸۸)؛ اما در آیات مربوط به وجوب اطاعت از حاکم؛ یا از بررسی شرایط حاکم عبور می‌کردند و یا با پیش‌فرض‌های خود و به اقتضای جریان‌های حاکمیتی، اطاعت از حاکم هرچند فاسق و ظالم و خون‌ریز را به گونه‌ای واجب قلمداد می‌کردند (نفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۳۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۱، ص ۲۶۹-۲۷۲).

شیعه برخلاف اشاعره با تمسک به قرآن و سنت، عصمت ائمه علیهم‌السلام را از جمله شرایط امام می‌داند. از ادله قرآنی عصمت نزد شیعه قسمت دوم آیه ۳۳ سوره «احزاب» معروف به آیه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (خدا فقط

خطابات واقع در آیات پیرامون آن است؛ بدون آنکه گویای فصل و منقبتی خاص برای مخاطبان آیه باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۵۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۶ ص ۳۶۵) مفسران اهل تسنن عمدتاً ارتباط سیاقی مزبور را اساس نظریه تفسیری خود پیرامون آیه قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به شواهد گوناگون در آیات دیگر قرآن، وحدت سیاق آیات و فرازهای متصل به یکدیگر، اصل حاکم و جاری در تمام قرآن نیست.

رویکرد دوم: آیه تطهیر ضمن بیان علت و غرض الهی از خطابات شرعی، حاکی از فضل و منقبتی ویژه برای مخاطبان آیه و اهل بیت است که در پرتو آیات الهی و به واسطه پیوندی که با بیت پیامبر ﷺ دارند حاصل شده است. این رویکرد و دیدگاه در اهل سنت مشهور است.

رویکرد سوم: آیه تطهیر اصولاً ارتباطی با خطابات شرعی زنان پیامبر ﷺ نداشته و فارغ از بیان فلسفه و غرض تشریح احکام، حاکی از اراده قطعی الهی و سنت جاری و حتمی خداوند درباره اهل بیت به معنای خاص آن است. براین اساس آیه تطهیر گواه فضل و منقبتی ویژه برای اهل بیت است که جز پیامبر ﷺ و خاندان پاک و معصوم ایشان، کسی سزاوار آن نیست.

۱-۳. بررسی رویکردها

با تأمل در سه رویکرد مذکور می‌توان گفت حاصل رویکرد اول این است که برخی از مفسران اهل سنت، اهل بیت را به همسران پیامبر اسلام تفسیر کرده‌اند. طبق این تفسیر، علی، فاطمه، حسن، و حسین جزء اهل بیت ﷺ نیستند؛ به تعبیر دیگر، اهل بیت از اقوام «سببی» پیامبر ﷺ هستند و هیچ‌یک از منسوبین «نسبی» آن حضرت جزء اهل بیت نمی‌باشند. تخصیص اهل بیت در آیه تطهیر به همسران پیامبر جز از افرادی چون عکرمه، عروقه‌بن زبیر از کس دیگر نقل نشده است (ابی حاتم رازی، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۳۱۳۳؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۶ ص ۳۶۷). البته مقاتل بن سلیمان شیعی نیز این دیدگاه را دارد (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۴۸۹).

در رویکرد دوم مطابق دیدگاه مفسر منظور از «اهل‌البیت» شخص پیامبر اسلام، علی، حسن، حسین، و فاطمه ﷺ و همسران پیامبر هستند (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۲۰۹).

براساس رویکرد سوم، آیه گواه فضل و منقبتی ویژه برای اهل بیت ﷺ است که جز پیامبر و خاندان پاک و معصوم ایشان، کسی

پیامبر ﷺ کرده‌اند و بعضی مطلق خویشان را مشمول آیه دانسته‌اند. از آنجاکه آیه، موضوع و متعلق خود را تعیین نکرده است، باید به کمک قراین و شواهد روایی آن را معین کرد.

۱-۱. رابطه حدیث کساء و آیه تطهیر از نگاه فریقین

مهم‌ترین بحث مطرح شده در ذیل آیه تطهیر، تعیین مصادیق اهل بیت می‌باشد که از طریق روایات قابل بررسی است. از جمله این احادیث، باید به حدیث شریف کساء در شأن نزول آیه تطهیر اشاره کرد. این حدیث در مصادر شیعه و سنی از طرق گوناگون و از سوی همسران پیامبر ﷺ، صحابه، تابعان و امامان ﷺ نقل شده است. محدثان فریقین به قدری حدیث کساء را در کتب معتبر خود نقل کرده‌اند که شاید بتوان ادعای تواتر کرد (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۱۳؛ ج ۵، ص ۱۹۸؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۱۰۵؛ کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۸۴۴). این روایات حاکی از صحنه نزول یا تفسیر آیه یا رفتار پیامبر پس از نزول آیه و یا احتجاجات و اشارات ائمه ﷺ است.

در حدیث طولانی و با سند صحیح از ابابصیر، امام صادق ﷺ در پاسخ پرسش ابابصیر درباره «ولوالامر» در آیه اطاعت (نساء: ۵۹) و علت عدم تصریح نام ائمه ﷺ در کتاب خدا، ضمن بیان حدیث تقلین درباره معرفی اهل‌البیت پیامبر ﷺ، به آیه تطهیر استناد کرده، می‌فرماید: «... علی، فاطمه، حسن و حسین تنها مراد از اهل‌البیت در این آیه بودند و رسول خدا آنان را زیر کساء آوردند...» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۲۸۶، ج ۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۹۱، ج ۲۰۳).

رابطه این آیه با حدیث شریف کساء بسیار آشکار است و به همین دلیل تعداد زیادی از محدثان و مفسران اهل سنت در کتاب‌های خود آن را ذکر کردند و نتوانستند آن را مخفی کنند (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۳؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۷۵)؛ به طوری که ارتباط بین حدیث کساء و آیه تطهیر به صراحت در برخی از صحاح سته آمده است (ابی داوود، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۴۴؛ ترمذی، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۲۰۴).

۱-۲. رویکردهای مفسران فریقین در برداشت از آیه

تطهیر و روایات تفسیرکننده «اهل‌البیت»

با بررسی دیدگاه مفسران فریقین و گفتمان کلامی آنان می‌توان رویکرد مفسران ذیل آیه تطهیر را به سه شکل بیان کرد:

رویکرد اول: آیه تطهیر صرفاً بیانگر فلسفه احکام شرعی و

هستی ولی اینجا، جای تو نیست» (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۸۱۴۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۱۳؛ ج ۵، ص ۱۹۸).
در حدیث دیگری همین جریان برای عایشه نیز نقل شده است (مرعشی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۰۸۵۰۲).
نتیجه اینکه، طبق این روایت، اهل‌بیت پنج تن آل‌عبا هستند.

۲. برخی مفردات آیه تطهیر

در پیدایش رویکردهای مذکور مفسران فریقین دلالت مفردات بر مفاهیم مرتبط با تفسیر آیه تطهیر نیز مؤثر است.

۲-۱. کلمه «إِنَّمَا» و دلالت آن بر حصر در آیه تطهیر

معمولاً مفسران شیعی در تبیین و تأیید تفسیر خاص خود، دلالت «إِنَّمَا» در صدر آیه را بر اختصاص اراده تطهیر به اهل‌بیت^ع مطرح می‌کنند. در مقابل، مفسران سنی با نقد دیدگاه مزبور معمولاً از مفهوم حصر نسبی «إِنَّمَا» در آیه سخن گفته‌اند و رویکرد اول را تقویت کرده‌اند؛ اما دلالت «إِنَّمَا» همان مفهوم تأکید شدید مطلبی و نفی عدم آن است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۶)، نه حصر و اختصاص؛ به عبارت دیگر، مناسب است که حصر و اختصاص و حکم آیه به اهل‌بیت^ع مبتنی بر خطاب خاص و شواهد نزول دانسته شود؛ نه دلالت صریحی از جهت استعمال کلمه «إِنَّمَا» (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۳، ج ۱، ذیل آیه تطهیر).

۲-۲. اراده الهی در «يُرِيدُ اللَّهُ»

از قرآن، دو نوع اراده برای خداوند استفاده می‌شود: اراده تشریحی و اراده تکوینی.

اراده تشریحی، آن است که خداوند اراده کرده مردم واجبات را انجام دهند و از محرمات دوری کنند. این اراده الهی، ممکن است در نظام آفرینش تحقق پیدا کند و ممکن است تحقق پیدا نکند.

اراده تکوینی، اراده‌ای است که خلاف آن، تحقق پیدا نمی‌کند؛ حال اگر اراده در آیه اراده تشریحی منظور باشد؛ معنی آیه این‌گونه می‌شود که خداوند برای شما اهل‌بیت احکامی را تشریح کرده که با امتثال آنها به گوهر قدسی طهارت دست یابید.

این معنا مزیت و موهبتی اختصاصی را برای «اهل‌بیت» اثبات نمی‌کند؛ زیرا معنی آیه شریفه در حد آیه ما «يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ

سزاوار آن نیست. رویکرد اخیر که برگرفته از روایات زیاد و مستند به فهم شاهدان و معاصران نزول است، به طور عمده در کلام عالمان و مفسران شیعی مورد تأکید واقع شده است (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۴۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۸۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۳۸؛ طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۱۷؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۴، ص ۱۱۴؛ رضوانی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۸۳-۵۴)؛ هرچند به اجمال یا تفصیل در بیان برخی عالمان و مفسران اهل‌سنت نیز سابقه دارد (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۸۱۴۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۱۳؛ ج ۵، ص ۱۹۸؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۱۰۵).

علامه طباطبائی در *المیزان* تعداد این روایات را بیش از ۷۰ روایت می‌داند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۳۱۱) و جالب اینکه بیشتر روایات مذکور در کتب دست اول اهل‌سنت مانند: *صحیح مسلم*، *صحیح ترمذی*، *المستدرک علی الصحیحین*، *مسند احمد* و *الدرالمشهور سیوطی* آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷).

۴-۱. نمره بحث

روایاتی که «اهل‌بیت» را به پنج تن آل‌عبا تفسیر کرده، هم از نظر تعداد در حد بالایی است و هم در کتب معتبر و دست اول اهل‌سنت آمده است؛ لذا روایاتی که «اهل‌بیت» را تفسیر می‌کند، از نظر مقدار و اعتبار قابل‌گفت‌و‌گو نیست. از میان این‌همه روایت، تنها به ذکر حدیث کساء که به دو شکل مختصر و مفصل نقل شده، بسنده می‌شود.

حدیث مفصل کساء متواتر نیست؛ اما حدیث مختصر کساء متواتر است و مضمون آن چنین است: «روزی مقداری پارچه برای پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌و‌آله - آوردند، پیامبر به دنبال علی، فاطمه، حسن و حسین^ع فرستاد، آنها به خدمت پیامبر رسیدند، حضرت آنها را زیر آن پارچه قرار داد، سپس فرمود: اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ خَاصَّتِي أَذْهَبُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، فَنَزَلَ جِبْرَائِيلُ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»؛ پروردگارا! اینان اهل‌بیت من هستند، پلیدی را از آنان دور کن. سپس جبرئیل نازل شد و آیه تطهیر را آورد.»

در کتب اهل‌سنت در ذیل این روایت جمله زیر نیز آمده است: «ام‌سلمه جلو آمد و از پیامبر اجازه خواست که او هم زیر آن پارچه قرار گیرد و به آن جمع بیبوند، پیامبر^ع فرمود: «تو آدم خوبی

زیرا دلیلی بر انحصار رجس در یک یا چند مورد خاص وجود ندارد. علامه طباطبائی می‌فرماید: «رجس» به کسر «راء» به معنای قذرات است و قذرات وضعیت و حالتی در شیء است که باعث تنفر و انزجار از آن می‌شود. این پلیدی و قذارت یا به حسب ظاهری است؛ مانند پلیدی خوک [انعام: ۱۴۵]؛ و یا به حسب باطن شیء است؛ یعنی همان پلیدی معنوی؛ مانند شرک و کفر و اثر عمل زشت [توبه: ۱۲۵]. در این دیدگاه، رجس عبارت از یک نوع ادراک نفسانی یا اثر شعوری ناشی از تعلق و وابستگی قلب به اعتقاد باطل یا عمل زشت و ناستوده است» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۱۲).

دیگران نیز با تعمیم و توسعه در معنای رجس، آن را شامل تمامی انواع پلیدی‌ها دانسته، بر این عقیده‌اند که اقسام ناپاکی‌ها نظیر شرک، کفر، ضلالت، جهالت، اخلاق زشت و همه معاصی، اعم از کبائر یا صغائر، از موارد رجس به‌شمار می‌آید و اذهاب تمامی اینها عصمت است و آن به اهل بیت^{علیهم‌السلام} اختصاص پیدا کرده است (طیب، ۱۳۶۹ق، ج ۱۰، ص ۵۰۱).

«ال» در «الرجس» هم در معنای جنس به کار رفته؛ لذا از بین رفتن همه اشکال و صورت‌های رجس و پلیدی منظور است، نه گونه خاصی از آن؛ زیرا زدودن برخی از پلیدی‌ها مزیت منحصر به فردی نبوده و برای همه بندگان صالح این امکان وجود دارد که از راه ممارست در رفتارهای پسندیده برخی از پلیدی‌ها را از درون خود ریشه کن کنند. عبارت «و يطهرکم تطهیرا» در پایان آیه و پس از «ارادة اذهاب رجس» تأکید دیگری بر مقام رفیع و شأن ارجمند و موهبت الهی منحصر به فرد اهل بیت^{علیهم‌السلام} است.

۲-۴. اهل البیت

گرچه ترکیب اضافی فوق به معنای «خانواده و خاندان» است؛ اما هرگاه به‌طور مطلق و بدون هیچ قیدی به کار رود، به خانواده پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} اختصاص می‌یابد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۵) و توجیهات دیگر چندان قابل اعتماد نخواهد بود (مصطفوی، ۱۳۶۸ق، ج ۱، ص ۱۵۶)؛ بخصوص با رفتار پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} که پس از نزول آیه تطهیر ماه‌ها پیش از نماز صبح به در خانه حضرت فاطمه^{علیها‌السلام} می‌آمد و با صدای بلند می‌فرمود: «السلام علیکم اهل البیت و رحمة الله و برکاته» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۹۹؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۱۵-۱۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۲۰۵).

به علاوه در حدیث «ثقلین»، پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} با صراحت اهل بیت^{علیهم‌السلام} را

حَرَجٍ وَ لَکِنْ یُرِیدُ یُطَهِّرُکُمْ وَ لَیْسَ نِعْمَتُهُ عَلَیْکُمْ...» (مائده: ۶) می‌گردد که طبق آن خداوند با جعل و تشریح احکام، طهارت روحی و تقوا و مصونیت درونی را برای عموم مکلفان خواسته است و تحقق این معنا در مراتب نسبی آن، از طریق امثال اوامر و تشریحات الهی برای هر شخص میسر خواهد شد. این امر نیز واضح است که هیچ‌گونه ویژگی در جعل و تشریح احکام برای اهل بیت^{علیهم‌السلام} نبوده و احکام مخصوصی برای آنان تشریح نشده که این آیه در مقام اخبار از آن باشد.

بنابراین باید اراده الهی در آیه تطهیر را اراده تکوینی معنی کرد تا در نتیجه، موهبتی اختصاصی برای خاندان پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} اثبات شود (علم الهدی، ۱۴۳۱ق، ج ۳، ص ۲۲۳-۲۲۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۸، ص ۵۶۰).

رویکرد اول، مفهوم اراده الهی در آیه را صرفاً تشریحی می‌شمرد که نتیجه اش این است که تعلق اراده الهی به اذهاب رجس و تطهیر اهل بیت در آیه از باب تعلق اراده و خواست الهی به انجام تکالیف شرعی توسط عموم مکلفان آن می‌باشد. این تفسیر مبتنی بر پیوند سیاقی آیه تطهیر با خطاب گذشته به زنان پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} است و در واقع متعلق اراده الهی را همان خطابات می‌شمارد و اذهاب رجس و تطهیر را غایت عمل به آن خطابات می‌داند. رویکرد دوم اراده الهی را به نوعی، تکوینی می‌شمارد که هرچند مانند رویکرد اول به همان خطابات تعلق یافته؛ اما با توجه به انتساب اراده به خداوند، تحقق آن را در ضمن تحقق شرط مزبور قطعی می‌داند و در نتیجه فضل و منقبتی ویژه را برای اهل بیت^{علیهم‌السلام} - نه به معنای خاص آن - نتیجه می‌گیرد؛ اما رویکرد سوم به صراحت از تکوینی بودن اراده الهی در آیه سخن می‌گوید و بدون آنکه آیه را در مقام تعلیل خطابات زمان پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} بداند، تخلف‌ناپذیر بودن اراده الهی و غایت خاص خداوند را در حق اهل بیت^{علیهم‌السلام} به معنای اصحاب کساء نتیجه می‌گیرد» (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ذیل آیه تطهیر).

۲-۳. رجس

در معنای اصطلاحی رجس پنج قول است: شرک، اثم و گناه، شیطان، شک و تردید، معاصی و جرایم. هرچند که بعضی از تفاسیر به این موارد اشاره کرده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به کاربرد این واژه در قرآن همان‌گونه که آلوسی در تفسیر خود به آن اشاره کرده است، این معانی ضعیف است (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۲۳۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۵-۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۲، ص ۱۲)؛

در کنار قرآن قرار داده، چنین فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی» (طوسی، بی‌تا، ص ۱۶۲).

لفظ اهل‌بیت در وضع اولی خود بر همه خویشان و نزدیکان یک فرد اطلاق می‌شود؛ ولی در خصوص آیه تطهیر پس از آن همه نصوص و روایات دیگر، اطلاق لفظ اهل‌بیت به صورت حقیقت شرعیه درآمده و همه ادله و قرائن حکم به انحصار اهل‌بیت در علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام می‌کند (ر.ک: زینعلی، ۱۳۹۵).

در برخی تفاسیر اشعری با استناد به روایات، اهل‌بیت به خمسه طیبیه، همسران پیامبر و بنوهاشم تفسیر شده است (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۳۸۴؛ ابی‌حاتم رازی، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۳۱۳۱).

۲-۵. «اذهاب» و «تطهیر»

واژه اذهاب همان طور که می‌تواند مفید رفع و ازاله شیء باشد، در معنای دفع و پیش‌گیری نیز هست که در واقع مرتبه دقیق‌تری از همان رفع است؛ چون به معنای رفع زمینه‌های شیء خواهد بود. ذهاب به معنای رفتن و سیر کردن و گذشتن است و طبعاً صورت متعدی آن به معنای بردن و گذراندن و عبور دادن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۲). روشن است که این واژه وقتی با متعلق خود همراه با «عن» می‌آید، هم با برطرف کردن چیزی از چیزی سازگار است و هم با منصرف ساختن و دور داشتن آن؛ به عبارت دیگر، در صدق لغوی این واژه سابقه وجود متعلق لحاظ نشده است؛ بلکه کافی است که چیزی در معرض چیز دیگر باشد یا در زمینه‌های آن فراهم باشد (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۲۹۳-۲۹۴). در آیه تطهیر هم در نگاه شیعه خداوند رجس و پلیدی را از اهل‌بیت علیهم‌السلام دور می‌دارد، منصرف می‌سازد و برمی‌گرداند که به‌طور طبیعی امکان آلودگی آنان فراهم بوده است.

برخی از کسانی که آیه تطهیر را دلیل بر عصمت اهل‌بیت علیهم‌السلام نمی‌دانند بر این نکته پای می‌فشارند که پاک ساختن از پلیدی‌ها (تطهیر) و زدودن آلودگی‌ها (اذهاب رجس)، نه تنها گواه بر عصمت اهل‌بیت علیهم‌السلام نیست؛ بلکه نشان می‌دهد که آنان نیز همچون دیگران، از آلوده شدن به گناه ایمنی ندارند؛ زیرا اذهاب و تطهیر درباره «رفع» پلیدی‌های موجود به‌کار می‌رود، نه «دفع» آنچه هنوز تحقق نیافته است (الوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۱۹۳).

با توجه به موارد فوق و رابطه حدیث کساء و آیه تطهیر که در این

نوشتار به آن پرداخته شد، مفهوم آیه این‌گونه است: «منحصراً اراده تکوینی خداوند بر این تعلق یافته که همه اشکال پلیدی را به‌طور مطلق از شما اهل‌بیت علیهم‌السلام بیرون برده و شما را به حقیقت پاک گرداند». با توجه به مبانی و ارکان اعتقادی اشاعره در مسئله امامت و خلافت و دیدگاه‌های متفاوت مفسران و بزرگان اشعری در شرایط امام و جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، لازم است به بررسی تطبیقی عصمت و لطف که از مباحث مهم مرتبط با آیه تطهیر است، پرداخته شود.

۳. دیدگاه اشاعره نسبت به عصمت و لطف

متکلمان اشعری در بیان شرایط امام و خلیفه مسلمانان پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دیدگاه‌های خاص و متفاوتی دارند:

اشاعره عصمت را به عنوان شرطی از شروط امامت نمی‌پذیرند و فسق را مانع امامت نمی‌دانند. برخی از متکلمان اشعری در خصوص شرایط امام و ارزش مقام امامت معتقدند که فسق، فجور، گناه و آلودگی، موجب برکناری امام نمی‌گردد؛ زیرا پیشوایان و امیران اسلام که پس از خلفا بودند گناه‌های آشکاری مرتکب شدند و با این وجود، همه امت اسلامی از آنان اطاعت کردند و این فسق و فجور، مانع امامت نبود و هیچ‌یک را معزول نساختند.

از گفتار ایشان، به‌روشنی پیداست که عدالت و پیراستگی از گناه و خطا در امام، معتبر نیست و عصیان و فسق، مانع مقام امامت نیست؛ پس مقام امامت، یک منصب عادی و غیرالهی است که شخص فاسق و فاجر هم می‌تواند عهده‌دار این مقام باشد (باقلائی بغدادی، ۲۰۰۳، ص ۱۸۱ و ۲۲۰؛ تق‌تازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۳۳؛ مغنیه، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۲).

دلایلی که اشاعره برای معتبر نبودن عصمت امام اقامه کرده‌اند را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

الف. معتبر ندانستن عصمت احتیاج به دلیل ندارد؛ آنچه احتیاج به دلیل دارد اشتراط عصمت است (تق‌تازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۴۹). آمدی در بیان دلایل شیعه بر عدم اهلیت/بویکر بر امامت، به هشت وجه پرداخته و می‌گوید یکی از وجوه شیعه بر عدم اهلیت او ظلم به فاطمه علیها‌السلام است که با استناد به آیه تطهیر او معصوم است. آمدی در جواب شیعه می‌گوید که قول شیعه که فاطمه علیها‌السلام از اهل‌بیت علیهم‌السلام است، مسلم بوده؛ ولیکن نمی‌پذیریم که اهل‌بیت علیهم‌السلام معصومانند (آمدی، ۱۴۲۳ق، ص ۱۹۱-۲۱۷).

طاعت دعوت می کند. لطف بر دو قسم است: یکی آنکه مکلف به سبب آن، فعل طاعت را برمی گزیند و اگر آن لطف نبود، فعل طاعت را بر نمی گزید و دیگر آنکه مکلف به سبب آن، نسبت به انجام دادن طاعت، نزدیک تر خواهد شد (علم الهدی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۸۶).

از نظر امامیه هنگامی که انسان مکلف، طاعات الهی را به جای آورد، آن گاه از سوی خداوند متعال لطفی به او عطا می شود که به واسطه آن انگیزه گناه و ترک طاعت از بین می رود و این شخص با اینکه قدرت بر ترک واجب و فعل حرام دارد، اما هرگز به آن اقدام نمی کند. علامه طباطبائی منشأ عصمت را علم راسخ در نفس و ملکه نفسانی می داند که اثر آن غالبی و دائمی است و برخلاف سایر علوم آدمی تحت تأثیر احساسات قرار نمی گیرد؛ بلکه احساسات تحت تأثیر علم راسخ در نفس قرار می گیرد. عصمت، طبیعت انسان را که همان مختار بودن در افعال ارادی خویش است، تغییر نداده و او را مجبور به عصمت نمی کند؛ زیرا علم خود یکی از مبادی اختیار است. مجرد قوی شدن علم، تنها اراده را قوی می کند؛ ولی انسان را مجبور به اجتناب از گناه نمی کند؛ در عوض او را وادار می کند تا با اختیار خود از گناه اجتناب کند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۷۸-۸۰؛ ج ۱۶، ص ۳۱۲).

شیخ صدوق نیز معتقد است که امامان علیهم السلام رازگاه علم خدا و مفسران وحی هستند. ائمه اطهار علیهم السلام از خطا و لغزش معصوم اند و خداوند پلیدی را از آنان زدوده و تطهیرشان کرده است (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۷۰).

۵. بررسی دیدگاه فریقین درباره عصمت اهل بیت علیهم السلام در آیه تطهیر

از آنچه تاکنون در باب مورد نزول آیه، شناسایی مفردات آیه تطهیر، رابطه حدیث کساء با این آیه و تفاوت دیدگاه فریقین در عصمت امام و لطف خداوند به آن پرداخته شد، می توان به وضوح دیدگاه امامیه و اشاعره درباره آیه تطهیر را بیان کرد:

۱. دیدگاه مفسران متکلم امامیه در عصمت

اهل بیت علیهم السلام از آیه تطهیر

امامیه آیه تطهیر را برهانی روشن بر عصمت اهل بیت پیامبر علیهم السلام که همان اصحاب کساء پیامبر علیهم السلام، یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند قلمداد می کنند. این دیدگاه ریشه در انبوه روایات دینی معتبر دارد که برخی منابع قدیمی و مهم اهل سنت نیز این روایات

ب. ابوبکر، امام بود و هیچ کس عصمتش را لازم و واجب ندانسته است (ایچی جرجانی، ۱۳۲۵ق، ج ۸، ص ۳۵۰).

در سخنان نویسندگان مکتب اشعری، خلیفه پیامبر و امام مسلمین با زمامدار و حاکم جامعه اسلامی که امر گزینش او به اختیار مردم واگذار شده و برای او وظایف و مسئولیت هایی در حد هر حاکم سیاسی دیگر تعیین شده، مترادف است؛ امری که مستلزم برتری مطلق او بر سایر خلق نیست و به این ترتیب موضوع خلافت و جانشینی پیامبر به یک امر زمینی و بشری تبدیل می گردد. با این نگرش در بیان ویژگی ها و شرایط امام، عصمت را لازم نمی دانند (ر.ک: ملک مکان، ۱۳۸۵).

اشعری ها قاعده اصلح و لطف را نمی پذیرند؛ و معتقدند به اینکه لطف بر خداوند واجب نیست، لذا سخن کسانی چون امامیه که معتقدند منشأ عصمت امام، لطف خداوند است را نمی پذیرند.

لطف خداوند از نظر اشعری ها امری است که چون شامل حال کسی شود، بی گمان نتیجه اش طاعت او خواهد بود؛ زیرا به عقیده اشعری لطف راستین آن است که نتیجه خود را به بار آورد (ابن فورک، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۳۰). از این رو، تعریف لطف بر معنایی جز قدرت منطبق نیست؛ که قدرت همواره مقدور خود را در پی دارد. پس اگر کافران - بنا بر رأی اشعری در استطاعت - قدرتی بر طاعت ندارند؛ باید گفت در امر دین از لطف حق محروم اند؛ زیرا لطف او بی پایان است و برخلاف آنچه معتزله گفته اند، می توانسته به کافر نیز اختیار و کسب مؤمنانه ببخشد (اشعری، بی تا، ج ۱، ص ۷۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۳۴۸).

اگر لطف واجب بود، خداوند به سعادت بعضی و شقاوت بعضی خیر نمی داد؛ زیرا این امر ناامید کردن آنها از انجام اطاعت و برانگیختن آنها بر طبیعت و قبیح است؛ حتی اگر در حق کسی باشد که خدای تعالی علم به این دارد که لطف بر او تأثیری نخواهد داشت (تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۲۳).

۴. عصمت و لطف در دیدگاه امامیه

عقیده به عصمت امام نزد امامیه اجماعی بوده؛ به طوری که هر کس بر این باور نباشد را نمی توان شیعی و امامی نامید. متکلمانی مانند شیخ صدوق، شیخ مفید، سیدمرتضی، علامه حلی و فاضل مقداد، منشأ عصمت را «لطف» می دانند.

از نظر سیدمرتضی لطف آن است که مکلف را به انجام دادن

تأییدکننده دیدگاه امامیه را بیان کرده‌اند و اهل‌بیت در این آیه را اختصاص به آل عبا داده‌اند.

به اعتقاد شیعه با توجه به مفردات آیه تطهیر، این آیه شامل جمیع اهل‌بیت است و پیش از بلوغ حسین علیه السلام نازل شده و حضرت علی علیه السلام به منزله نفس رسول خدا به نص قرآن (آل عمران: ۶۱) و روایت، ثابت است و عدم عصمت خلفای ثلاثه، معلوم است.

مقدمان از امامیه منشأ عصمت امام را لطف خداوند می‌دانند؛ هرچند برخی مفسران معاصر، عصمت را علم راسخ در نفس می‌دانند.

از آیه تطهیر بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز استدلال کرده‌اند؛ زیرا اگر مقام عصمت برای اهل‌بیت ثابت شود، امامت هم همراه آن است. با توجه به شرایط امام از نگاه شیعه، اطاعت از امام بدون هیچ قید و شرطی بر همه واجب است و اطاعت بی‌قید و شرط برای غیرمعصوم ممکن نیست؛ پس امام باید معصوم باشد (علم‌الهدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۶۴ و ۳۰۰؛ ج ۲، ص ۲۰۷ و ۲۰۷). از سوی دیگر، اگر قرار شود امامی انتصاب یا انتخاب شود، با وجود معصوم نباید به سراغ غیرمعصوم رفت. امامیه عصمت را جزء لاینفک امامت مطرح می‌کند و کسانی که حتی قبل از امامت، آلوده به ظلم شده‌اند را شایسته امامت نمی‌دانند: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۲۴)؛ عهد امامت من به ظالمین نمی‌رسد.

۵-۲. دیدگاه مفسران متکلم اشعری درباره عصمت اهل‌بیت علیهم السلام آیه تطهیر

سیف‌الدین آمدی در وجه اثبات امامت/بویکر از آیه تطهیر استفاده می‌کند و می‌گوید آیه جهت امتنان، انعام و تعظیم بر اهل‌بیت است که با اتمام این نعمت، رجس به‌طور مطلق از ایشان منتفی می‌شود و الا به خاطر مشارکت غیر ایشان با اهل‌بیت در این تعظیم و انعام فائده این امتنان باطل می‌شد (آمدی، ۱۴۲۳ق، ج ۵، ص ۲۳۶).

استناد شیعه به آیه تطهیر دلیل فضل اهل‌بیت بر عالم و غیرعالم است. پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث ثقلین اهل‌بیت را مقرون کتاب خدا کرد؛ زیرا تمسک به این دو نجات از ضلالت است (تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۰۳). برخی از مفسران فقط به بررسی ادبی آیه تطهیر در بیان «عنکم» معتقدند: «عنکن» نیاورد چون اهل‌بیت صلاحیت دارد که مذکر و مؤنث آورده شود و از دلایل منصوب آوردن «اهل‌بیت» در آیه تطهیر را مدح می‌داند (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۵۹)؛ اما

نظر دیگری اظهار نمی‌کند (ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۴۷؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۶۰).

عده‌ای از مفسران داخل بودن ازواج‌النبی در اهل‌بیت را به دلیل سبب نزول آیه می‌دانند، که سبب نزول می‌تواند یا به‌تتهایی یا با دیگران داخل در آیه باشد. ابن‌کثیر از طرق مختلف به احادیثی که شأن نزول آیه را خمسۀ طیبه (پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) می‌دانند، اشاره می‌کند؛ اما در پایان ازواج پیامبر را داخل در اهل‌بیت می‌داند و بخصوص به فضایل عایشه می‌پردازد و او را به این نعمت سزاوارتر می‌داند (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۳۶۵؛ مراغی، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴ق، ج ۱۴، ص ۱۸۲؛ زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۰۶۹؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۳۸۴؛ پانی پتی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، قسم ۱، ص ۶۰). گاه روایت عکرمه که در بازار فریاد می‌زد که آیه تطهیر فقط درباره زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است (ابی‌حاتم رازی، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۳۱۳۱؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۴۷۶) را هم بیان می‌کنند.

اما در مقابل روایاتی که «اهل‌بیت» را به پنج تن آل عبا علیهم السلام تفسیر کرده، هم از نظر تعداد در حد بالایی است و هم در کتب معتبر و دست اول اهل سنت آمده است.

فخررازی پیرامون مقدار این روایات و میزان اعتبار آن در ذیل تفسیر آیه مباهله (آل عمران: ۶۱) می‌گوید: «و اعلم ان هذه الروایة كالمثقف علی صحتها بین اهل التفسیر و الحدیث» (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۲۴۷)؛ این روایت (که اهل‌بیت را تفسیر می‌کند) روایتی است که دانشمندان اهل تفسیر و حدیث، همه اتفاق بر صحت آن دارند؛ اما ذیل آیه تطهیر به‌گونه‌ای دیگر از بیان روایات خودداری می‌کند و درباره واژه اهل‌بیت می‌گوید: «الأولی أن یقال هم أولاده و أزواجه و الحسن و الحسين منهم و علی منهم لأنه كان من أهل بیته بسبب معاشرته بینه النبوی و ملازمته للنبی»؛ سزاوار است که گفته شود اهل‌بیت، فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و همسرانش و حسن و حسین و علی است؛ زیرا علی به سبب معاشرتش با دختر پیامبر و ملازمتش با پیامبر از اهل‌بیت اوست.

نکته قابل توجه در تفاسیر مورد بررسی اشعری این است که برخی از این مفسران ذیل آیه مباهله به ذکر حدیث کساء هنگام نزول آیه مباهله به سند صحیح از صحیح مسلم می‌پردازند؛ یعنی اهل‌بیت، خمسۀ طیبه‌اند. مصادیق نساء و ابناء و نفسا در آیه مباهله را هم علی،

طریق اصلاح آنان در دینشان و تعلیم آنچه برای اهل بیت نفع دارد، این لطف همیشگی است (زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۰۶۹). این تفسیر خروج از مبانی اعتقادی مفسر اشعری است.

برخی مفسران اشعری، همچون تفتنازانی، عصمت اهل بیت را بدون بیان دلیل معتبری رد می کنند و قائل اند اشتراط عصمت نیازمند دلیل است. آنچه مسلم است در مباحث اعتقادی رد و اثبات مطلبی از فریقین بدون دلیل معتبر قابل قبول نیست.

استناد به سیاق آیه تطهیر و شأن نزول آن در مورد همسران پیامبر و پذیرش رویکرد اول، قابل قبول نیست؛ چون در آیات دیگر قرآن، وحدت سیاق آیات و فرازهای متصل به یکدیگر، اصل حاکم و جاری در تمام قرآن نیست.

نتیجه گیری

بررسی تطبیقی فریقین ذیل آیه تطهیر نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه های مفسران امامیه و اشاعره در موضوع کلامی اعتقادی عصمت را آشکار می کند.

امامیه آیه تطهیر را برهانی روشن در اثبات عصمت اهل بیت ﷺ می داند و مهم ترین دلیل، گواهی احادیث بی شمار منقول از طریق امامیه و اهل سنت است که در شأن اصحاب کساء (علی، فاطمه و حسنین ﷺ) نازل شده است. همین امر رابطه بین حدیث کساء و آیه تطهیر را بیان می کند. اشاعره عصمت را به عنوان شرطی از شروط امامت نمی پذیرند و خلیفه پیامبر و امام مسلمین را مترادف با زمامدار و حاکم مسلمین می دانند. صاحبان مکتب اشعری با توجه به ارکان اعتقادی خود، مفردات آیه تطهیر مثل اهل بیت و اراده الهی را در جهت تثبیت مبانی خود؛ همچون عدم پذیرش عصمت و قاعده لطف الهی و شرایط خلیفه پیامبر تحلیل و معنانشناسی می کنند. از سویی بررسی دیدگاه آنان از اهل البیت، روایت کساء و مصادیق اهل بیت ذیل آیه مباحله و نپرداختن به آنها در آیه تطهیر بیانگر ناهمسانی در دیدگاه مفسران اشعری و تعصب در مبانی اعتقادی آنهاست.

برخی از آنان در راستای اثبات امامت و زمامداری خلفای سه گانه، از انبوه روایات وارده در منابع معتبر اهل سنت در شأن نزول آیه تطهیر رویگردانی می کنند و در مواردی به تأویل این اخبار می پردازند.

فاطمه، حسن و حسین ﷺ بیان می کنند (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۸۸؛ مراغی، بی تا، ج ۳، ص ۱۷۵؛ صابونی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۸۸).

۶. نقد و تطبیق دیدگاه مفسران متکلم اشعری با مفسران متکلم امامیه

بررسی دیدگاه های فریقین بیانگر وجوه اشتراک و افتراق در موضوع مورد تطبیق است. از جمله وجوه اشتراک می توان به موارد زیر اشاره کرد: - استفاده از آیه تطهیر برای اثبات امامت؛

- پرهیز از عقل گرایی افراطی در تفسیر کلامی آیه تطهیر؛ - قائل شدن به مصداق خمسه طیبه از مصادیق اهل بیت.

وجوه افتراق در گفتمان کلامی مفسران فریقین بسیار زیاد است که می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- قائل شدن به مصداق همسران پیامبر به اهل بیت پیامبر ﷺ در اشاعره برخلاف امامیه که اهل بیت در آیه تطهیر را منحصر در اصحاب کساء می داند.

- نادیده انگاری جایگاه اهل بیت ﷺ در تفسیر آیه تطهیر از سوی اشاعره به دلیل عدم قبول حجیت قول اهل بیت برخلاف امامیه که مطابق حدیث ثقلین اهل بیت وظیفه تبیین آیات قرآن را پس از پیامبر اکرم ﷺ به عهده دارند و روایات معصوم ذیل آیه تطهیر را در مباحث کلامی می پذیرند.

سرگردانی اشاعره بین حوزه عقل و نقل در گفتمان های کلامی آنها کاملاً مشهود است؛ به طور مثال، فخر رازی با قبول صحت روایات تفسیر کننده اهل بیت ذیل آیه مباحله به پنج تن آل عبا، ذیل آیه تطهیر موضع دفاعی خود از این روایت ها را فراموش می کند و اهل بیت را شامل همسران پیامبر هم می داند. تعصب بیش از حد فخر رازی در تبعیت از مبانی اعتقادی ابوالحسن اشعری توجیه کننده این تغییر نگرش کلامی مفسر ذیل آیه تطهیر است.

در مواردی حتی مفسر محترم بدون توجه به تغییر ضمیر در آیه تطهیر به دلیل سیاق آیه که خطاب به همسران پیامبر است، نساء النبی را از اهل بیت می داند (صابونی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۸۱).

از ارکان اعتقادی اشاعره این است که لطف را بر خداوند واجب نمی دانند؛ ولی زحیلی ذیل آیه تطهیر معتقد است اهل بیت - که همسران پیامبر را هم شامل می شود - لطف تام خداوند است که از

منابع.....

- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن فورک، محمد، ۱۹۸۷م، *مجرد مقالات الشیخ ابی الحسن الأشعری*، به کوشش دانیل ژیماره، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ق، *البدایة و النہایة*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابوحیان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت، دار الفکر.
- ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، چ سوم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابی داوود سلیمان، ۱۴۰۱ق، *سنن ابی داوود*، بیروت، دارالرائد العربی.
- اشعری، ابوالحسن، بی تا، *اللمع فی الرد علی اهل الذیغ و البدع*، قاهره، المکتبه الازهریه للتراک.
- ایچی جرجانی، میرسیدشریف، ۱۳۲۵ق، *شرح المواقف*، قم، شریف الرضی.
- ألوسی، محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر قرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- آمدی، سیف‌الدین، ۱۴۲۳ق، *ابکار الافکار فی اصول الدین*، قاهره، دار الکتب باقلائی بغدادی، عبدالقاهر، ۲۰۰۳م، *اصول الایمان*، بیروت، دار المکتبه الیهلال.
- پانی پتی (مظهری)، محمد ثناءالله، ۱۴۱۲ق، *التفسیر المظهری*، پاکستان، مکتبه الرشیدیہ.
- ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۰۱ق، *سنن الترمذی*، تحقیق احمد محمد شاکر، قاهره، دارالحديث.
- تفتازانی، سعدالدین، ۱۴۰۹ق، *شرح المقاصد*، قم، شریف الرضی.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۸ق، *تفسیر التعلیبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، *امامت پژوهی (بررسی دیدگاه‌های امامیه، معتزله و اشاعره)*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد، ۱۴۱۱ق، *تسواند التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ قرآن*، تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار القلم.
- رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۴، *تسعیة شناسی و پاسخ به تسبیحات*، چ دوم، تهران، مشعر.
- زحیلی، وهبه، ۱۴۲۲ق، *التفسیر الوسیط*، دمشق، دارالفکر.
- زینعلی، غلامحسین، ۱۳۹۵، *مفهوم شناسی و مصداق یابی اهل بیت* در آیه تطهیر، *کلام اسلامی*، ش ۹۹، ص ۲۷-۵۶.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۸۳، *منشور جاوید*، قم، مؤسسه امام صادق.
- _____، ۱۳۹۰، «تفاوت‌های بنیادی عقاید امامیه با مکتب‌های معتزله و اشاعره»، *درس‌هایی از مکتب اسلام*، ش ۶۰۱، ص ۱۵-۷.
- سمرقندی، نصر بن محمد، ۱۴۱۶ق، *تفسیر السمرقندی*، بیروت، دار الفکر.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۰۴ق، *الدر المشهور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- صابونی، محمدعلی، ۱۴۲۱ق، *التفاسیر*، بیروت، دارالفکر.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۶ق، *الفرقان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، قم، فرهنگ اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۴ق، *الاعتقادات*، قم، الامتور العامی للشیخ المفید، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تأویل آیات القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، چ سوم، تهران، مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین، ۱۳۶۹، *اطیب البیان*، تهران، اسلام.
- علم‌الهدی، علی بن حسین، ۱۴۱۰ق، *الشافی فی الامام*، چ دوم، تهران، مؤسسه الصادق.
- _____، ۱۴۱۱ق، *الذخیره فی علم الکلام*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- _____، ۱۴۳۱ق، *تفسیر الشریف المرتضی*، تصحیح مجتبی احمد موسوی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- فخررازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *التفسیر الکبیر*، چ سوم، بیروت، دارالعباد التراث العربی.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، چ دوم، تهران، مکتبه الصدر.
- قردان قراملکی، محمدحسن، ۱۳۸۸، «نظریه جدائنگاری امامت از اصول دین»، *نامه مفید*، ش ۱۴، ص ۱۶۳-۱۸۴.
- قرطبی، ابوعبدالله، ۱۳۶۴ق، *جامع الاحکام*، قاهره، دارالفکر.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸، *کنز الدقائق*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ق، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مراغی، احمد مصطفی، بی تا، *تفسیر المراغی*، بیروت، دارالفکر.
- مرعشی، قاضی نورالله، ۱۴۰۹ق، *احقاق الحق و ازهاق الباطل*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۳، *دایرةالمعارف قرآن کریم*، چ دوم، قم، بوستان کتاب.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۱۴ق، *الجوامع و الفرائق بین السنه و الشیعه*، بیروت، مؤسسه عزالدین.
- مقاتل، ابن سلیمان، ۱۴۲۳ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، *آیات ولایت در قرآن*، چ سوم، قم، نسل جوان.
- ملک مکان، حمید، ۱۳۸۵، «امامت از دیدگاه اشاعره»، *اندیشه دینی*، ش ۱۸، ص ۸۵-۱۱۲.